

پایه‌های آوایی همسان (۱) درس پنجم

مطلب

درس ششم درباره رایه‌های آوازی همچنان است.

قبل از این، پایه‌های کوایی را هفتگی اینستقرم می‌خواست. پایه‌ها را می‌توانید درستهای منطقی تقسیم کرد و همان‌گونه آن‌ها را نشان دارید. هر مکاره به بخش‌های تکراری و هماهنگ تقسیم می‌خورد که به آن‌ها پایه‌های کوایی همسان، می‌گوییم و بعد از این، هنگام بخش‌بندی وزن خود، به بایی خود پایه‌ها، مدارل‌های کوایی هر پایه را می‌آوریم و این مدارل‌ها و نمادهای کوایی را «وزن و ازد» می‌نامیم. به ترتیبه نشانه‌های هیاتی هم، «ملوکه هیاتی» گفته می‌خورد. با توجه‌دان درسن یکم انداختن درباره اتفاق پاش درباره «جایه‌های همسان»، «وزن و ازد» و «ملوکه هیاتی» اطلاعات مفیدی به درست پیاوی.

سیاست‌های آواری، سیاست‌های شکل همراه با هم این دو می‌باشد. به بیان دیگر، می‌توان یادها را به دستدهای منظم بخش کرد.

مراحل تعیین وزن شعر

- #### نقیم مصروع‌ها به پایدهای آوایی همسان

- تعیین وزن واژه‌ها و خوشبختانه‌های هجایی

45

در این درگاه بی جون، همه لطف است و موزونی،
جه صحرای، جه خپرای، جه درگاهی، نم دانم

- آخر** هر مصراج را به بخش‌ها و پایده‌های تکراری و منظم چهاره‌جایی جدا می‌کنیم که این پایده‌های تکراری و هماهنگ را، «پایه‌های آوایی مسان» می‌نامیم.

ذ ریز در گا	بی چونی	هم لطف	ت موزونی
ع ضرایی	ع خسرای	ع در گاهی	ن می دانم

- سپس به جای هر یک از این پایه‌ها، معادل آوابی هر یک از آن‌ها را می‌آوریم (که به آن‌ها «وزن و ازه» می‌گویند). سپس علام هجاها را زیر آن‌ها می‌نویسیم (که به آن خوشة هجایی می‌گویند).

پایه‌های آواب	ذ رگ در گا	و بی چونی	هم لطف	ث موزونی
وزن واژه‌ها	چ ضهرای	چ خضرای	چ در گاهی	ب می دانم
خوش‌های هجایی	متاعین	متاعین	متاعین	متاعین
---U	---U	---U	---U	---U

دست کن! «م» هجای کوتاه است و با معادل خود در مصراج دوم (در) ناهمسان است؛ یعنی معادل یک هجای بلند در نظر گرفته شده است. شاعران در رعایت موسیقی شعر و آهنگ کلام، گاه این گونه اختیارها را تجاز می‌دانستند که در آینده درباره آن‌ها می‌خوانی.

وزن‌واژه

وزن‌واژه (رکن) وقتی هجاهای شعری را به شکل درست به پایه‌هایی بخش کردیم، ساده‌تر این است که به جای هر یک از این پایه‌ها، معادل آوایی آن‌ها را بیاوریم، معادل‌ها و نمادهای آوایی این پایه‌ها را «وزن‌واژه» یا «اسم رکن» می‌نامیم. آشناترین وزن‌واژه‌ها عبارتند از:

فعلن (U_)	فاعلان (U_U)	مقاعلن (U_UU)
مستعلن (U_UU)	فعلان (U_UU)	مقاعلن (U_UU)

فهرست کامل وزن‌واژه‌ها (به تفکیک تعداد هجای)

چهاره‌جایی	علامت	سه‌جایی	علامت	دوه‌جایی	علامت	یک‌جایی	علامت
مقاعیلن	U---	مفقول	U_U	فقل	U_U	فع	-
مقاعیل	U_U	مفیون	---	فع لن	--	فع	-
فاعلان	--U	فعول	U_U	فول	U		
فاعلات	U_U	فعول	--U	فول	--U		
فلاتن	--UU	فغلن	U_U	فقلن	--U		
فلاتث	U_UU	فاغلن	--U	فاغلن	U_U		
مستعلن	-U--						
مستفل	UU--						
مقعلن	-UU-						
مقاعلن	-U_U						
مقاعل	UU_U						

نمونه‌های مشخص شده رکن‌هایی هستند که در این درس با آن‌ها رویدرو می‌شود.

(۱) مقاعیلن

(۲) فول

-۱

جه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را که کس آهوی وحشی را از این پهلو نمی‌گیرد

پایه‌های آوای	چ خوش صید د	دلم کردی	بـنازم چـشـ	مـقـتـتـ رـا
وزن‌واژه‌ها	کـسـ آـهـوـ	یـوـحـشـیـ رـاـ	آـزـهـرـهـ بـهـ تـرـ	بـنـازـمـ چـشـ
خوشهای هجایی	مقاعیلن	مقاعیلن	مقاعیلن	مقـتـتـ رـاـ
	U_UU	U_U	U_U	U_UU

-۲

برون شو ای غم از سینه که لطف یار می‌آید تو هم ای دل ز من گم شو که آن دلدار می‌آید

پایه‌های آوای	بـ روـلـ شـوـ اـیـ	فـ مـزـ سـینـ	کـ لـطـفـ یـاـ	رـمـیـ آـیدـ
وزن‌واژه‌ها	تو هـمـ اـیـ دـلـ	زـ منـ گـمـ شـوـ	کـ آـنـ دـلـ دـاـ	رـمـیـ آـیدـ
خوشهای هجایی	مقاعیلن	مقاعیلن	مقـاعـیـلن	مقـاعـیـلن
	U_U	U_U	U_U	U_U

لهم، این از درس پنجم!

در برداره پایه‌های آوازی همسان

دریدی که به کار بردن «معادل‌های آوازی» به بایی «پایه‌های مختلف» تحلیل وزن مصraig را سازه می‌کند.

تفصیلی که به کار بردن «وزن و اوزه» عنوان است برای معادل‌ها و نمادهای آوازی که به بایی اصلی پایه‌ها توافقه می‌کند.

دانسته که «وزن و اوزه» عنوان است برای نشان داری زنگیره هیاهای کوتاه و بلند که با «وزن و اوزه» هماهنگ است.

به عبارتی که در لغوه هیاهی به ازای هر هیاهی کوتاه یک نشانه ملله و به ازای هر هیاهی بلند یک نشانه ملله می‌گذرد.

عنوان است برای نشان داری زنگیره هیاهای کوتاه و بلند که با «وزن و اوزه» هماهنگ است.

پایه‌گرفته که در لغوه هیاهی به ازای هر هیاهی کوتاه یک نشانه ملله و به ازای هر هیاهی بلند یک نشانه ملله می‌گذرد.

عنوان است برای نشان داری زنگیره هیاهای کوتاه و بلند که با «وزن و اوزه» هماهنگ است.

همه این‌ها را فورت تحریر کردی: مانند «پرسیمان» و «پلاختران». هر وقت مس کردی آنرا ماندی، بیان برای است!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۳۶- در کدام گزینه به ترتیب به ارکان (وزن و اوزه) معادل و اوزه‌های «شانزدهن- زمستانی- پادمو- آفتابی» اشاره شده است؟

(۱) مفتسلن- مقاعیلن- مقاعلن- فاعلان- فاعلان

(۲) مستفلن- مستفلن- مستفلن- مقاعیلن- فاعلان

(۳) مستفلن- مقاعیلن- مقاعیلن- فاعلان- فاعلان

۱۳۷- در کدام گزینه به ترتیب به ارکان (وزن و اوزه) معادل و اوزه‌های «هواییما- استوانه- خانه‌داری- هیجانی» اشاره شده است؟

(۱) مقاعیلن- فاعلان- فاعلان- فاعلان

(۲) مناعیلن- فاعلان- فاعلان- فاعلان

(۳) مقاعیلن- فاعلان- فاعلان- فاعلان

۱۳۸- در کدام گزینه به ترتیب به ارکان (وزن و اوزه) معادل و اوزه‌های «استفاده- بادبان- نمی‌خواهم- بی‌همکان» اشاره شده است؟

(۱) فاعلان- فاعلن- مقاعیلن- مفتسلن

(۲) فاعلان- فاعلن- مقاعیلن- فاعلن

(۴) فاعلان- فاعلان- فاعلان- فاعلان

۱۳۹- در کدام گزینه نمونه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن و اوزه) «مقاعیلن- مقاعیلن- فاعلن- مفتسلن» هم وزن‌اند؟

(۱) چرا رفتی- بیا بیا- آشین- می‌ستانم

(۲) تو را دیدم- کثار من- می‌دوم- گریه من

(۳) رها کردم- شتاب کن- خاطرات- آتش جان

۱۴۰- در کدام گزینه نمونه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن و اوزه) «مستفعلن- فعالات- فعالات- فعالات» هم وزن‌اند؟

(۱) آتش بین- نوشتم- خطرات- می‌ستانم

(۲) تو جان ما- نخواهد- غم عشق- شراب جان

(۴) ایمان من- شتابان- از ایمان- دل بار

۱۴۱- در کدام گزینه نمونه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن و اوزه) «مفقول- مفتسلن- مستفعلن- فعالات» هم وزن‌اند؟

(۱) آشین- دید مرا- دل می‌بری- رفتی ز دل

(۲) افتد- بی تو شبی- دیدی مرا- گل نازم

(۳) گهواره- شانه بین- از ما چرا- فراوانی

(۴) بی گذرد- می‌گذرد- بی آشیان- تگذشتی

۱۴۲- واژگان همه گزینه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن و اوزه) «مقاعیلن- فاعلان- فاعلان- فاعلان» هم وزن‌اند، به جز

(۱) سپاهانی- می‌شتابم- بردگاهی- دیدی چه شد

(۲) بیارانی- آسیابان- هم نفس- نامردمان

(۴) تو با مایی- می‌هواشم- عاشقی- بادبان را

۱۴۳- واژه‌های همه گزینه‌ها به ترتیب با واژه‌های «بادگیر- گداخته- بیاری- عاطقه- ایمان» هم وزن‌اند، به جز

(۱) التمس- مسامحه- بشم- روزنه- خواری

(۲) استوانه- مبارزه- زمستان- هم‌همه- خونین

(۴) اتها- مشاعره- همانا- بارقه- تها

۱۴۴- واژگان همه گزینه‌ها به ترتیب با «توانایی- خاکستر- توفیقات» هم وزن‌اند، به جز

(۱) جهانداران- ایرانی- تنبیرات

(۲) زمستانی- تهاتر- حکایات

(۴) هنرمندی- جاویدان- وحشتگ

۱۴۵- در تعیین امتداد هجاهای کدام مصraig «ن» حذف می‌شود؟

(۱) گفتگش مگنر زمانی گفت مذورم بذار

(۳) بد که نقوشند مستوری به مستان شا

- ۱۴۶- در کدام گزینه به الگوی هجایی مصراع «می‌گذرد بهار من موسم انتظار من» اشاره شده است؟
- (۱) U_U_UU_U_UU_۰
 (۲) UU_U_U_UU_U_U_۴
 (۳) UU_U_UU_UU_UU_۳
- ۱۴۷- در کدام گزینه به تقطیع هجایی مصراع زیر اشاره شده است؟
 «منجان دلم را که این مرغ وحشی»
- (۱) U_U_U_U_UU_۰
 (۲) U_U_UU_U_UU_۴
 (۳) UU_UUU_UU_۲
- ۱۴۸- تقطیع هجایی بیت «می‌سوزد و همچنان هودار / می‌میرد و همچنان دعاگوست» در کدام گزینه درست نشان داده شده است؟
- (۱) U_U_UU_UU_۰
 (۲) UU_U_UU_UU_۴
 (۳) UU_UU_UU_UU_۳
- ۱۴۹- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟
 «مرا گر دوستی با او به دوزخ می‌برد شاید به نقد اندر پیش است آن که باری مهربان دارد»
- (۱) U_U_U_U_UU_۰
 (۲) U_U_U_U_UU_۴
 (۳) U_U_U_U_UU_۲
- ۱۵۰- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟
 «شمع پیش روشنایی نزد آتش می‌نماید گل به دست خوبی پیش یوسف می‌فروشد»
- (۱) U_U_U_U_UU_۰
 (۲) UU_UU_UU_UU_۴
 (۳) UU_UU_UU_UU_۲
- ۱۵۱- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟
 «هیچ کس را بر من از باران مجلس دل نسوخت شمع می‌بینم که اشکش می‌رود بر روی زرده»
- (۱) U_U_U_U_UU_۰
 (۲) U_U_U_U_UU_۴
 (۳) U_U_U_U_UU_۲
- ۱۵۲- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟
 «آشنايان را جراحت مروهم است زان که شمشیر آشنايان می‌زنده»
- (۱) U_U_U_U_UU_۰
 (۲) U_U_U_U_UU_۴
 (۳) U_U_U_U_UU_۲
- ۱۵۳- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟
 «دمی با دوست در خلوت به از مسد سال در عشوت من آزادی نمی‌خواهم که با یوسف به زندانم»
- (۱) U_U_U_U_UU_۰
 (۲) UU_UU_UU_UU_۴
 (۳) UU_UU_UU_UU_۲
- ۱۵۴- کدام یک از ایيات با نمودار هجایی U_U_U_U_UU مطابقت دارد؟
- (۱) تویی یارا که خواب آلووه بر من تاختن کردی
 (۲) یار بام ابابی و فلایی می‌کند
 (۳) همچنان عاشق تباشد ور بود صادق نباشد
 (۴) هر که با مستان نشینند ترک مستوری کند



درس پنجم

- | |
|---|
| <p>۱۲۲- گزینه ۲ در این گزینه دیگر ویژگی‌های زبانی سبک
خراسانی به چشم می‌خورد.</p> <p>۱- ۲ به کار بردن واژه «ایدون»
۲- ۳ به کار بردن حرف اضافه «با»
۴- ۵ به کار بردن واژه «ایدر»</p> <p>۱۲۳- گزینه ۲ ممدوح در این گزینه خداوند است. در سه
گزینه دیگر، ممدوح زمینی و دست‌یافتنی است.</p> <p>۱۲۴- گزینه ۳ در این گزینه، ممدوح زمینی و دست‌یافتنی
است و از ویژگی‌های فکری سبک عراقی دور است.</p> <p>۱۲۵- گزینه ۲ تقديرگرانی به جای اختیار و اراده
غم‌گرانی به جای شادی‌گرانی
۳ ستایش عشق به جای ستایش خرد</p> <p>۱۲۶- گزینه ۱ رواج روحیه اخلاقی این گزینه را با اندیشه‌های
شاعران سبک عراقی مناسب کرده است. در سه گزینه دیگر، تقهر
حمسی دیده می‌شود که مناسب با ویژگی‌های فکری سبک
خراسانی است.</p> <p>۱۲۷- گزینه ۲ نثر فتنی، کم کم در قرن هفتم ضعیف شد و در
قرن هشتم با سلطنه تیموریان بر ایران از بین رفت.</p> <p>۱۲۸- گزینه ۱ مفهوم گزینه ۱: ستایش پیغمبر اسلام (ص)
تقديرگرانی تقدیرگرانی و باور به قضا و قدر</p> <p>۱۲۹- گزینه ۲ در سایر گزینه‌ها مشوق، زمینی و
دست‌یافتنی است.</p> <p>۱۳۰- گزینه ۲ مفهوم مشترک بیت سوال و گزینه ۲: نقی
وجود مادی</p> <p>۱- ۲ دنیا محل گرفتاری است. / فریبتندگی زاندوزی و جامحلی
نکوهش خودخواهی و توصیه به دادگری
۳ دعوت به ترک تعلقات دنیوی</p> <p>۱۳۱- گزینه ۲ مفهوم مشترک بیت سوال و گزینه ۲: نقی
وجود مادی</p> <p>۱- ۲ اثر کار بد به آدمی می‌رسد
۳ دعوت به نیکوکاری / اثر کار نیک به آدمی باز می‌گردد.
۴ توصیه به فنیعت‌شمردن روزگار ارزشمند جوانی</p> <p>۱۳۲- گزینه ۲ مفهوم مشترک بیت سوال و گزینه ۲: لازمه
پختگی عاشق، هجران است.</p> <p>۱- ۲ رین فرق
۳ گذران عمر در راه عشق و ناکامی عاشق
۴ تعجبه به خاموشی</p> |
|---|

استعاره

لَبْ مطلب

درس نهم آرایه «استعاره» را آموزش می‌دهد. استعاره وقت اتفاق می‌افکر که از درگیرن باقیمانده در تشبیه فشرده، یعنی راهنمایی کنیم تا فقط مشبه به باقی بماند. در این ثالثت، ویرگی رکن محفوظ را به رکن موظف تسبیت می‌ریسم. استعاره نوع اول استعاره‌ای است که در آن، از کل تشبیه، تنها مشبه به برها ماند و ویرگی مشبه محفوظ به آن تسبیت دارد می‌شور و استعاره نوع دوم استعاره‌ای است که در آن، از کل تشبیه، تنها مشبه برها ماند و ویرگی مشبه محفوظ به آن تسبیت دارد می‌شور. در هر دو از اخواص استعاره با توضیح مطلب و آوردن نمونه‌های بسیار، تلاش کردم با موضوع آشنایی دقیق تری پیدا کنم. مرغی آرایه «تشییع» و شکافات «افتخار استعاری» از دیگر مطالب این درس است.

با خواندن درس نهم انتظار داشته باش درباره استعاره به جوانان یکی از موضوعات بحث «دیانت» اطلاعات مقدمی به دست یاوری.

استعاره

در درس ششم یاد گرفتی که گاهی مجاز بر پایه «شباهت» شکل می‌گیرد و علاقه این معنای نهاده و ننهاده. علاقه مشابه است؛ به این نوع مجاز، استعاره^۱ می‌گویند.

استعاره از نظر لغوی به معنی «علایت و ولگرفتن» است و در اصطلاح ادبی به کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویرگی یا صفتی مشترک گفته می‌شود؛ یعنی اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشتبه) باید و متوجه طرف دیگر تشبیه باشد، استعاره به وجود می‌آید.



استعاره نوع اول

در این استعاره، از کل تشبیه تنها «مشتبه» به جا می‌ماند و «مشبه» حذف می‌شود؛ به شرطی که نشانه و قرینه‌ای از مشبه محفوظ (حذف شده) آورده شود؛ در حقیقت، مشتبه جانشین مشبه می‌شود. آرایه استعاره در مقایسه با تشبیه زیباتر، رساتر و هنری‌تر است. بین:

بیت بهار کرده جهان را ز کوه و صحراء سیز / بهار منا یکن آخر تو نیز ما را سیز

استعاره بهار (مصراع دوم): استعاره از معشوق
قرید: اضافه‌شدن ضمیر متصل «من» به بهار و منادایا واقع شدن و متمایزشدن آن از بهار طبیعت
سیز ساخته شدن این استعاره در ذهن شاعر:

تشبیه گسترده چهارچیزی؛ معشوق در طراوت و زیبایی مانند بهار است.

تشبیه گسترده سه‌جزی (حذف وجذبیه)؛ معشوق مانند بهار است.

تشبیه فشرده (حذف وجذبیه و ادای تشبیه)؛ معشوق بهار است.

استعاره (حذف همه ارکان به جز مشتبه)؛ بهار

۱- البته این فقط یک نوع از استعاره است و همان است که به آن استعاره نوع اول می‌گویند

نوتهای استعاره نوع اول			
قرینه	مشهـه حذف شده	استعاره	بیت یا عبارت
نسبت دادن «خندان» «خون در دل کردن»، «خار به خود بستن» و «از سر واکردن» به فنجـه	معشوق	فنجه	ای فنجـه خندان اـچرا خـون در دل ما مـی کـنـی؟
این کـه فـنجـه (معـشـوق) آـن رـا با خـود هـمـراه مـی کـنـد و به این وسـیـله عـاشـق رـا زـ سـر خـود وـا مـی کـنـد	رقـبـ	خار	خارـی به خـود مـی پـنـدـی و مـارـاز سـرـوـامـی کـنـی
متعلق بـودـن به شـافـر و متـایـزـشـدـن اـز سـرو و شمـشـادـوـاقـعـی	معـشـوق	سرـوـ (مـصـرـاع اـول)	مرا در خـانـه سـروـی هـست کـانـدر سـایـه قـتـشـ
تهاـشـدـن و دـاشـتن قـدـ	معـشـوق	ماـهـ	فرـاغ اـز سـروـ بـسـتـانـی و شـمـشـادـچـمـن دـارـم
مـتـلـعـقـبـودـن بـه مـعـشـوقـ و مـروـارـیدـرـیـختـن اـز آـنـ	چـشمـ	نـرـگـسـ	چـوـ تـهـاـ مـانـدـمـاهـ سـروـ بـالـاـ
مـتـلـعـقـبـودـن بـه مـعـشـوقـ و رـیـختـن اـز چـشمـ در اـثـرـ تـهـاـ	اشـکـ	لـوـلـاـ	فـشـانـدـ اـز نـرـگـسـ سـانـ لـوـلـاـ وـی لـاـ
شـالـدـن و گـلـ بر سـرـ اـشـانـ	معـشـوق	شـاخـ صـوـبـرـ	پـختـ آـنـ تـکـنـدـ بـاـمـنـ، کـانـ شـاخـ صـوـبـرـ رـاـ
خـندـانـبـودـن پـستـ و اـضـافـهـشـدـن ضـمـیرـ «توـ» بـهـ	دهـانـ	پـستـ	پـتـشـینـمـ وـپـتـشـانـپـ گـلـ بـرـ سـرـشـ اـشـانـ
پـستـ			سـرـوـ چـونـ قـذـ خـرـامـلـ تـوـ نـیـستـ
نـسبـتـ دـادـن هـمـهـ نـامـهـاـ بـهـ	معـشـوق	ملـکـ	لـعـلـ چـونـ پـستـهـ خـندـانـ تـوـ نـیـستـ
یـکـ نـفـرـ، در حـالـیـ کـهـ	معـشـوق	ماـهـ	
هـیـجـ یـکـ اـز آـنـهـاـ نـیـستـ	معـشـوق	نـگـارـ	ملـکـاـمـهـاـنـگـلـاـ صـنـعـاـتـاـ بـهـراـ
	معـشـوق	ضمـ	مـتـحـیـرـمـ نـدـانـمـ کـهـ توـ خـودـ چـهـ نـامـ دـارـیـ
	معـشـوق	بتـ	
	معـشـوق	بـهـارـ	
ایـنـ کـهـ درـ مـصـرـاعـ اـولـ باـ «پـسـرـ» سـخـنـ گـفتـهـ شـدـ وـ	پـسـرـ	نـورـ چـشمـ	دـعـلـ سـاخـورـهـ چـهـ خـوشـ گـفتـ بـاـ پـسـرـ
مـصـرـاعـ دـوـمـ هـمـ اـدـامـ هـمـانـ			کـلـ نـورـ چـشمـ مـنـ بـهـ جـزـ اـزـ کـشـتـهـ نـدـروـیـ
مـوـضـوـعـ اـسـتـ			
تـبـیدـهـ زـ دـلـ وـ باـقـتـهـ زـ جـانـ	شـعرـ	حـلـ	باـکـلـارـوـانـ حـلـهـ بـرـفـتـمـ زـ سـیـسـتـانـ
بـودـنـ		(جـامـهـ حـرـیـرـ)	باـحـلـهـ تـبـیدـهـ زـ دـلـ باـقـتـهـ زـ جـانـ



تشخیص	منادا واقع شدن و دلشکستن	انسان	عنق	بشنکن دل بین‌وای مارالی عشق
تشخیص / اضافی	چشم‌داشتن	انسان	ناله	کی ام؟ شکوفه اشکی که در هوای تو هر شب
تشخیص / اضافی	روداشتن	انسان	شکوه	ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم
تشخیص	رفتن و پیغام‌دادن	انسان	باد	ای باد پامدادی خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی
تشخیص / اضافی	سرزنش کردن	انسان	خار	ای گل تازه که بوبی ز وفا نیست تو را خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را
تشخیص	ایستادن و نگاه کردن	انسان	شب	شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجه من
تشخیص	رخداشتن	انسان	آینه	ایستادت دانی چرا فماز نیست؟ چون که زنگار از رخش ممتاز نیست

خلاصه کلام

فُب، این از دس نوم!

درباره استعاره به جلوان یکی از موضوعات بحث «بیان» نواهد.

ویدی که استعاره به کلیرد واژه‌ای به بای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفت مشترک گفته می‌شود.

شبیدی که در استعاره نوع اول ویژگی مشبه مفهود به مشبه نسبت دارد می‌شود.

دانست که در استعاره نوع دوم ویژگی مشبه مفهود به مشبه نسبت دارد می‌شود.

تفصیدی که «تشییه» نسبت دارن ویژگی انسان به غیر انسان است که در واقع کوئه‌ای است از استعاره نوع دوم.

پارکر فتن که برای تسلط بر موقعی استعاره، لازم است نمونه‌های زبانی را با تحلیل ارکان آن‌ها بررسی کنی.

همه این‌ها را آورده تبریه کری، مانند «پرسیدن» و «ذاقت‌نیز». هر وقت هنر کوئی آماره‌ای، بیا برای تست!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(هر اصری انتخاب ۱۴)

۲۷۵- در کدام گزینه آرایه «استعاره» به کار رفته است؟

مر این قیمتی دل نظر دری را
دوغ است سرمایه مرگ‌افری را
که مایست مر جهل و بندگوهری را
یکی نیز بگرفت خنیاگری را

۱) من آنم که در پای خوکان نریزم

۲) به نظم اندرا آری دروغی طمع را

۳) به علم و به گوهر کنی محدث آن را

۴) اگر شاعری را تو پیشه گرفتی

(هر اصری تبدیل ۸)

۲۷۶- در کدام گزینه آرایه «استعاره» به کار رفته است؟

خدا توبه دهادت زین دورنگی
که بدکلریست دشمن کامی ای دستا
به گلخ گفت کلی سرو من چهرا
به از حاجت به نزد نازلوار

۱) گمی بامن به صالحی گه به جنگی

۲) به کام دشمنم گردی نه نیکوست

۳) دگر از جهان داراز سرمه

۴) به ناخن سنج برکنید ز که سار

۲۷۷- در کدام بیت با ذکر «مشبه» آرایه استعاره پدید آمده است؟

پای آن است که ما را شب غم یاد کنید
گله گاهی ز من دل شده هم یاد کنید
به نسیم گلی از باغ کرم یاد کنید
گر من بی سر و پارا به قدم یاد کنید

۱) روز شادی همه‌گیس یاد کند از بیان

۲) گر چنان است که از دل شدگان می‌پرسید

۳) بلبل خسته بی پرگ و نوا را آخر

۴) چون من از پای فنادم نبود هیچ غریب

-۲۷۸- در کدام بیت با آوردن «مشبیه» آرایه استعاره شکل گرفته است؟

- (۱) کار مایا ساتنگی افتاد
- (۲) پیش عشق لطف بلند قهر
- (۳) آهون صید مردماند دلم
- (۴) کام است از عشق منی شود حاصل

-۲۷۹- در کدام بیت با ذکر «مشبیه» آرایه استعاره پدید آمده است؟

- (۱) صحیح یوآمد به بام مرغ ترنمواز
- (۲) قائل مشتاق گوییخ مکش در حرم
- (۳) آن مه طوی خرام گریه چمن یگذرد
- (۴) دلبتر شیرین سخن بیش ناید عتاب

-۲۸۰- در کدام بیت ذکر گویند «مشبیه» آرایه استعاره را پدید آورده است؟

- (۱) هر که دارد سر محبت تو
- (۲) کلی گل تازه روی خندان اسب
- (۳) از تو خالی نیو وهم یک دم
- (۴) ببر کناری بود چو چنگ بساز

-۲۸۱- در همه گزینه‌ها با ذکر «مشبیه» آرایه استعاره به وجود آمده است، به جز:

- (۱) از لسل تو گریابم لگانتری زنها
- (۲) ای جان من جهان لطافت تویی ویک
- (۳) گفتم ای سرو سهی بنشین که بنشیند بلا
- (۴) به شب روشن شدی راهنم ز رویش

-۲۸۲- در همه گزینه‌ها با ذکر «مشبیه» آرایه استعاره به وجود آمده است، به جز:

- (۱) ز دیده دست بظویم اگر نه روی تویند
- (۲) اگر ز بسته تیگ تو دم زند غنجه
- (۳) چو به خنده بازیابم اگر دهان تنگش
- (۴) گفتار طلح از آن لب شیرین چو شتر است

-۲۸۳- در همه گزینه‌ها با ذکر «مشبیه» آرایه استعاره به وجود آمده است، به جز:

- (۱) دل در دل تیگ من وطن بود
- (۲) با من به سلام خشک، ای دوست ازیان تر کن
- (۳) لسل تو نقل و بلاد حرف تو طلح و شیرین
- (۴) سایه بالای آن سرو از سر من کم میاد

-۲۸۴- در همه گزینه‌ها با ذکر «مشبیه» آرایه استعاره را پدید آورده است، به جز:

- (۱) نیافر سرو من بیرون که بر گرد سرش گردم
- (۲) به تیره روزی من چشم روگلار گریست
- (۳) همچون کمر به گرد میانش دل آمدم
- (۴) ترکست در طلاق ابرو از چه خفتند بی خبر

-۲۸۵- در همه گزینه‌ها با ذکر «مشبیه» آرایه استعاره به وجود آمده است، به جز:

- (۱) من کنم از سینه بیرون این دل افسرده را
- (۲) گرفتم آتش دل در نظر نمی‌آید
- (۳) تاخن نزد کسی به دل سر به مهر ما
- (۴) من در نیاز بودم و اصحاب در نیاز

-۲۸۶- در همه گزینه‌ها با آمدن «مشبیه» آرایه استعاره پدید آمده است، به جز:

- (۱) در آن زمان که امید بقا خیال بود
- (۲) بهار کرد جهان راز کوه و صحراء سیز
- (۳) چرا چشم گران خواب است «صاحب» شور عشق
- (۴) هر چند نیک چون شکرت شور جهانی است

معروف‌ترین گزینه‌ها

درس هم

۲۷۵- **گزینه** استعاره خوکان استعاره از صاحبان نالایق قدرت و حکومت

ترکیب «ذُر لفظ دری» اضافةً تشبيهی است.

۲۷۶- **گزینه** استعاره سرو استعاره از معشوق وازه‌های «گلخ» و «سمن‌چهر» تشبيه دارند.

۲۷۷- **گزینه** در این بیت شاعر خود را به بلبل تشبيه کرده اما مشبه را نیاورده و تنها «مشبیه» را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته اصل تشبيه این طور بوده است: [من] [همانند] بلبل هستم.

۲۷۸- **گزینه** در این بیت، در مصراج دوم، شاعر زیارویان را به آهوان تشبيه کرده، اما مشبه را نیاورده و تنها «مشبیه» را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته اصل تشبيه این طور بوده است: [زیارویان] [همانند] آهوان هستند.

۲۷۹- **گزینه** در این بیت شاعر معشوق را به «فده» تشبيه کرده، اما مشبه را نیاورده و تنها «مشبیه» را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته اصل تشبيه این طور بوده است: [مشوق] [همانند] فده است.

در گزینه ۱ هم، چندین استعاره دیده می‌شود: اما این استعاره‌ها با ذکر «مشبیه» پدید آمدند و نه «مشبیه»

صحیح [همانند] [انسان] است. (انسان حذف شده و ویرگی آن (تبسم‌نمودن) به صحیح نسبت داده شده است.)

مرغ [همانند] [انسان] است. (انسان حذف شده و ویرگی آن (ترنم‌نوختن) به مرغ نسبت داده شده است.)

۲۸۰- **گزینه** در این بیت شاعر معشوق را به گل تشبيه کرده اما مشبه را نیاورده و تنها مشبیه را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته اصل تشبيه این طور بوده است: [مشوق] [همانند] گل است.

در گزینه ۲ نیز تشبيه دیده می‌شود و مشبه و مشبیه هر دو حضور دارند:

تشبيه تو به چنگ / تشبيه تو به گود
۲۸۱- **گزینه** در این گزینه هم استعاره وجود طرد اما این استعاره با ذکر مشبیه به وجود نیامده، بلکه تنها مشبه ذکر شده است: رویش [مانند] [له].

۱ در این گزینه لب به لعل تشبيه شده اما تنها مشبیه (عل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه معشوق به جان تشبيه شده اما تنها مشبیه (جان) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه معشوق به سرو تشبيه شده اما تنها مشبیه (سره) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

	با	د	س	عد	ای	د	گر	ت	ش	خا	ب
یا	-	ع	-	-	ع	-	-	ع	-	ع	-
دو	ش	بود	دو	کا	دو	ب	ب	با	با	دا	ب
فول	-	-	-	ع	-	-	ع	-	-	ع	-
فولون	-	-	-	ع	-	-	ع	-	-	ع	-
فولون	-	-	-	ع	-	-	ع	-	-	ع	-

قطعیت بیت سوال: ۲۷۰- **گزینه**

	زم	ذ	ث	ر	را	ق	خا	پ	با	دا	ب
زم	-	ع	-	ع	-	-	-	ع	-	ع	-
ری	زم	د	د	ری	د	د	د	د	ری	صو	ری
فول	-	-	-	ع	-	-	ع	-	-	ع	-
فولون	-	-	-	ع	-	-	ع	-	-	ع	-

قطعیت گزینه: ۲۷۱- **گزینه**

۱) مقاعیلن مقاعیلن فولون

۲) مفعول مقاعیلن فولون

۳) مفتغلن مقاعیلن فاعلن

۲۷۱- **گزینه** وزن بیت سوال و بیت‌های «الف - ت - ث»:

مفتغلن مقاعیلن فاعلن

۱) مفعول مقاعیلن فولون

۲) مقاعیلن مقاعیلن فولون

۳) وزن گزینه: قطاعات قطاعات قطاعات قطاعات

	عا	ش	ق	مه	جو	ر	ذ	گر	عا	م	پ	ر	ب
عا	-	-	ع	-	ع	-	-	ع	-	ع	-	ع	-
تشن	ی	مخف	مو	ر	ذ	گر	ای	ش	ه	خ	م	ا	ب
مفتغلن	-	-	ع	ع	ع	ع	-	ع	ع	ع	ع	ع	-
مفتغلن	-	-	ع	ع	ع	ع	-	ع	ع	ع	ع	ع	-

قطعیت صورت کامل شده بیت سوال: ۲۷۲- **گزینه**

	عا	ش	ق	مه	جو	ر	ذ	گر	عا	م	پ	ر	ب
عا	-	-	ع	-	ع	-	-	ع	-	ع	-	ع	-
تشن	ی	مخف	مو	ر	ذ	گر	ای	ش	ه	خ	م	ا	ب
مفتغلن	-	-	ع	ع	ع	ع	-	ع	ع	ع	ع	ع	-
مفتغلن	-	-	ع	ع	ع	ع	-	ع	ع	ع	ع	ع	-

قطعیت صورت کامل شده ایات سوال: ۲۷۴- **گزینه**

	تا	چند	گو	ب	نی	زعا	نا	و	بس	نی	کو	ش	گ	نی
تا	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
نی	نی	خ	ش	ب	نی	ز	ه	ب	نی	ز	ه	ب	نی	نی
گو	گو	ی	چ	ش	کا	س	و	ب	نی	ز	ه	ب	نی	نی
گو	گو	ی	و	قا	نی	ک	ن	م	نی	ز	ه	ب	نی	نی
مستفعلن	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مستفعلن	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

۱ در این گزینه دهان معشوق به پسته تشبیه شده، اما تنها مشبیده (پسته) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه لب معشوق به شکر تشبیه شده، اما تنها مشبیده (شکر) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه جان معشوق به جان تشبیه شده، اما تنها مشبیده (جان) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۱ در این گزینه اشک خونین به لعل تشبیه شده، اما تنها مشبیده (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه دهان معشوق به لعل تشبیه شده، اما تنها مشبیده (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه سرو تشبیه شده، اما تنها مشبیده (سرو) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در گزینه *۲* تشبیه دیده می‌شود و مشبه و مشبیده هر دو حضور دارند:

تشبیه من به کمر (کمریند)

۱ در این گزینه سرو تشبیه شده، اما تنها مشبیده (سرو) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه قهقهه عشق به قهقهه تشبیه شده، اما تنها مشبیده (قهقهه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه نرگس عشق به نرگس تشبیه شده، اما تنها مشبیده (نرگس) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در گزینه *۲* تشبیه دیده می‌شود و مشبه و مشبیده هر دو حضور دارند؛ تشبیه نیاز به نظر.

۱ در این گزینه دل افسرده به چراغ مرده تشبیه شده اما در جمله آخر بیت، تنها مشبیده (چراغ) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه آتش عشق به آتش تشبیه شده اما تنها مشبیده (آتش) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه دل به فنجه تشبیه شده اما تنها مشبیده (فنجه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در این گزینه خسرو، یوسف و طوطی تشبیه شده اما تنها مشبیده (شخسار) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۱ در این گزینه معشوق به پهار تشبیه شده اما تنها مشبیده (پهار) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه چشم به باطن تشبیه شده اما در جمله آخر بیت، تنها مشبیده (باطن) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه لب به شکر تشبیه شده اما در جمله اول، تنها مشبیده (شکر) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۱ در این گزینه دهان به لعل تشبیه شده، اما تنها مشبیده (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه زلف معشوق به سنبلا تشبیه شده، اما تنها مشبیده (سنبل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه نیز چهره معشوق به لاله تشبیه شده، اما تنها مشبیده (لاله) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ همین طور، دهان معشوق به پسته تشبیه شده، اما تنها مشبیده (پسته) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۵ در این گزینه می‌گلین تشبیه شده، اما تنها مشبیده (گلین) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۶ در این گزینه هم، استعاره وجود دارد، اما این استعاره با حلق «مشبیده» به وجود آمده و نه با ذکر آن:

دل [امانند] [انسان] است، این که «دل» سرای شاعر را بدهد.

۷ تشخصی و استعاره نوع دوم است.

۱ در این گزینه شاعر یا خاطر او به شتر تشبیه شده اما در جمله آخر تنها مشبیده (شتر) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه لب معشوق به لعل تشبیه شده اما تنها مشبیده (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه ماه عشق به ماه تشبیه شده اما تنها مشبیده (ماه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ همین طور، معشوق به نقش (نقاشی) تشبیه شده اما تنها مشبیده (نقش) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۵ در این گزینه دل افسرده به چراغ مرده تشبیه شده اما در جمله آخر بیت، تنها مشبیده (چراغ) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۶ در این گزینه آتش عشق به آتش تشبیه شده اما تنها مشبیده (آتش) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۷ در این گزینه دل به فنجه تشبیه شده اما تنها مشبیده (فنجه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۸ در این گزینه شاعر به شاخسار تشبیه شده اما تنها مشبیده (شخسار) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

